

فراهم‌سازی بسترهای اقدام و عمل در صنایع پتروشیمی



تاکید مقام معظم رهبری بر نامگذاری سال جاری به‌عنوان «اقتصاد مقاومتی - اقدام و عمل» یک نوع دغدغه است و باید در ابتدا از همین جا شروع کنیم. نظرات ایشان در مورد شعار امسال و تأکید بر اقدام و عمل یک نوع گلایه می‌دانم. یعنی اینکه در مورد اقتصاد مقاومتی باید فعال‌تر از این بود و فعالیت‌های مان برای جامعه قابل لمس باشد و نتیجه عمل آن را ببیند. از دیدگاه من اقتصاد مقاومتی به هر حال طبیعت اقتصاد را دارد ولی وقتی خوب نگاه کنیم یعنی جلوگیری از خام‌فروشی و نگاه داشتن هرچه بیشتر ارزش افزوده مواد خام و ذخایر کشور در داخل کشور تا حد امکان به

جای صادرات مواد خام؛ این کار بوی اقتصاد مقاومتی را می‌دهد. معنی اقتصاد مقاومتی یعنی به اینکه شما جامعه را ترغیب می‌کنید به کار بیشتر، بهره‌وری بیشتر از منابع و نگاه داشتن هر چه بیشتر ارزش افزوده در داخل کشور. همین که شما هر ماده خامی را حتی یک مرحله در داخل کشور بعد از آنکه از مخازن یا معادن خارج شد در داخل کشور یک عملیات روی آن انجام بشود حال این عملیات می‌خواهد عملیات فیزیکی یا شیمیایی باشد و یا ترکیبی از هر دو برای این عملیات در نهایت شما باید یک مقداری کار به سیستم تزریق کنید که در این حالت شما در داخل کشور اشتغال به‌وجود آورده‌اید و هر چه این زنجیره را گسترش و تکمیل‌تر کنید ارزش افزوده بیشتری در داخل کشور به‌وجود آورده‌ایم.

اگر نگاهی به اطراف خود بیندازیم به غیر از مواد مصرفی ما بالاخره حجم زیادی واردات کالاهای متفرقه داریم که می‌توانیم در کشور خودمان تولید کنیم. اگر بتوانیم یک محصول در صنایع پتروشیمی تولید و آن را صادر کنیم و در کشور دیگر تبدیل به یک کالای جدید بشود و در آنجا به خاطر یک دانش فنی که ما نداریم و به فرآورده ما تزریق بشود و یا کیفیت آن بالا برود و بعد مجدداً به داخل کشور برگردد یعنی ارزش افزوده این فرآورده بیشتر در خارج از کشور شکل گرفته تا در سرزمین خودمان باعث رونق و اشتغال کار در خارج از مرزهای ما شده است.

تمایزی به نام توان تولید

هیچ افتخاری نیست که سازمان‌های ما به حجم صادرات مواد خام کشور افتخار کنند و این یعنی فاصله گرفتن از اقتصاد مقاومتی. افتخار آن است که ما حداقل مواد خام را در بازار جهانی عرضه نماییم و بیشتر تبدیل به کالا بکنیم در مراحل مختلف و در نتیجه به مساله مهم و نیاز امروز نسل جوان جامعه یعنی اشتغال پاسخ دهیم. اقتصاد خوب، اقتصاد پیشرفته، اقتصاد شکوفا با چه شاخص‌هایی می‌سنجید؟ کشور ما که بیشترین منابع لازم را برای اقتصاد شکوفا در اختیار دارد باید از سایر همسایه‌های خود کاملاً متفاوت باشد. ما با کشورهای همسایه در حاشیه جنوبی خلیج فارس در بخش منابع یک وجه مشترک در داشتن ذخایر هیدروکربنی داریم و به همین دلیل در چارچوب این ثروت در قالب یک تشکیلاتی به نام «اوپک» قرار گرفته‌ایم. در این سازمان

مهم این است که چقدر مواد خام صادر می‌کنیم و در کجا هستیم در بین کشورهای صادرکننده مواد خام نفتی در چه رتبه و جایگاهی قرار می‌گیریم

یکی از وجوه تمایز کشور ما با سایر کشورهای عضو اوپک در منطقه حاشیه خلیج فارس وجود نیروی انسانی گسترده و با دانش است به طوری که بزرگ‌ترین کشور همسایه یعنی عربستان چین نیروی انسانی ندارد. ما توانمندی مهندسی داریم و کشور عربستان بالفعل خودش هنوز امکان مهندسی ما را ندارد. ما توان ساخت داخل داریم و این ابزاری است که می‌تواند مواد خام را به ارزش افزوده بیشتر تبدیل کند و ارزش افزوده ما نباید فقط در داشتن دانش استخراج مواد خام و صادرات آن ولو به قیمت گران باشد. در تبدیل مواد و خلق ارزش افزوده تعدادی نیروی انسانی به کار گرفته می‌شود و این مهم‌تر از هر قیمتی است (با توجه به آمار بیکاری در سطح جامعه فارغ از هر دولت) اقتصاد شکوفا یعنی شما بیکار نداشته باشید.

در چارچوب کشورهای خاورمیانه ما یک تفاوت بزرگ دیگر نیز داریم آن هم وجود منابع انسانی و دانشگاه‌های متعدد در این سرزمین است. فرق مردم سرزمین ما با سایر مردم کشورهای اطراف «توان تولید» است. ما احتیاج به واردات نیروی انسانی برای انجام «مگا پروژه»های خود نداریم و عشق و علاقه به کار داریم. مردم ما یک عشق و علاقه ویژه‌ای دارند که کار را به خوبی انجام بدهند. بنابراین در مقوله اقتصاد مقاومتی معتقدم با این منابع و مردم این سرزمین می‌توانیم خیلی موفق باشیم و می‌توان پاسخ در خور شأنی به اقدام و عمل مورد نظر مقام معظم رهبری را در پایان سال داد.

زنجیره تکمیلی در تبدیل گاز

در جریان سال‌های تحریم بسیاری از سرمایه‌گذاران تمایل به سرمایه‌گذاری در تولید متانول داشتند. دلیل این اشتیاق هم این بود که منابع عظیمی از سرمایه ما از بانک‌های غربی به بانک‌های شرقی منتقل و در درون آن دوران فشار خیلی سنگین تحریم‌های تکمیلی یکی از راه‌ها این بود که حجم زیادی از پروژه‌ها از سوی چینی‌ها فاینانس بشود. ما در کشورمان دارای ذخایر زیادی گاز هستیم که می‌توان به جای بازاریابی برای صادرات این محصول در اولین مرحله آن را تبدیل یک کالاهایی به نام «متانول» و «اوره» کرد. شما وقتی بخواهید برای گاز ارزش افزوده ایجاد کنید باید این محصول را به کالا تبدیل کنید نه اینکه آن را خام صادر کنید. اما وقتی آن را تبدیل می‌کنید به کالا ایجاد شغل می‌کنید حتی برای یک مرحله. اگر نگاهی به واحدهای متانول که در کشور است بیندازید ظرفیت ۵ میلیون تن در بالادست به تعداد زیادی اشتغال مستقیم داخل فرآیند تولید متانول و اوره ایجاد شده و حجم زیادی از اشتغال هم در حاشیه آن به وجود آمده است

به صورت خیلی ساده شما در تبدیل گاز به متانول و به اوره حجم زیادی مواد اولیه وارد فرآیند می‌کنید که بابت ماده اولیه آن پولی پرداخت نمی‌کنید و آن چیزی است به نام «هوا» شما در واحد متانول به ازای هر مولکول متان ۱۶ واحد جرمی که دارد یک مولکول اکسیژن وارد می‌کنید که این اکسیژن را دارید به قیمت متانول می‌فروشید. یعنی متانی که تبدیل می‌شود به متانول و در مورد اوره خیلی بالاتر است به این خاطر که شما در تولید اوره دو اتم ازت یعنی ۲۸ واحد جرمی ازت و ۱۶ واحد جرمی اکسیژن وارد آن می‌کنید یعنی ۴۴ در مقابل ۱۶ واحد جرمی متان ۴۴ واحد هوا وارد می‌کنید و شما بابت این هوا پولی نمی‌دهید. درست است که شما برای تولید اکسیژن سرمایه‌گذاری می‌کنید اما بابت مواد اولیه شما هزینه نمی‌کنید اما بابت متان باید پول بدهید. در مقوله

تفسیر اقتصاد مقاومتی حداقل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی مساله این است که شما هر چه می‌توانید این زنجیره را طولی‌تر نمایید. گام بعدی در این زنجیره می‌بایست بتوانیم متانول را در بهترین راه تبدیل به «پروپیلن» کنیم که با تولید این فرآورده می‌توان زنجیره طولی با ارزش افزوده بالا از کالاهای مختلف تولید کرد.

تمهیدات قانونی برای اقدام و عمل

پاسخ دادن به اقدام و عمل تمهیدات دیگری هم لازم دارد. زمانی سرمایه‌گذاری و همه کارها در دست شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران بود که خودش تصمیم می‌گرفت و خودش کار می‌کرد و تعامل خوبی هم با وزارت نفت درباره پرداخت هزینه خوراک‌ها داشت و این توسعه بزرگ در برنامه سوم اتفاق افتاد. در حال حاضر دیگر شرکت ملی صنایع پتروشیمی نه منابعی دارد و نه درآمدی از شرکت‌های تولیدی در اختیارش قرار می‌گیرد که بتواند با این درآمد نقش توسعه‌ای گذشته را در این صنعت بر عهده داشته باشد. در حال حاضر و طبق قانون فقط در زمینه فناوری‌های نو این اجازه به صنایع پتروشیمی داده شده است. به جز این بند از قانون تمهیدات دیگری لازم داریم. به اعتقاد قانونگذار طبق تبصره ب بند ۲ قانون اجرای اصل ۴۴ دولت مجاز است تا ۲۰ درصد در سرمایه‌گذاری‌های جدید گروه ۲ حضور داشته باشد. به اعتقاد من طرح‌های جدید پتروشیمی که دولت مالکیتی ندارد از این بند می‌تواند استفاده نماید و کلیه طرح‌هایی که بعد از این می‌خواهیم راه‌اندازی نماییم و از دیدگاه استانداردهای شرکت ملی صنایع پتروشیمی اقتصاد خوبی دارند و توجیه‌پذیر است شرکت ملی با سهم ۲۰ درصدی حضور داشته باشد. در این بند از قانون به نظر اشکال در انشا قانون است. اگر قانون‌گذار می‌گفت: دولت مکلف است بیش از ۸۰ درصد از سهم خود را خصوصی نکند. محتوا و فهم از قانون خیلی کامل‌تر بود و معنی آن این بود که در تمام طرح‌های واگذار شده ۲۰ درصد برای شرکت صنایع ملی پتروشیمی نگاه داشته می‌شد. منابع لازم برای حضور ۲۰ درصد در طرح‌های جدید گروه ۲ فراهم می‌گردید. خیلی قابل توجه است که برای توجیه ۲۰ درصد حضور دولت از کلمات بسیار محکم مقدسی در قانون به کار رفته است، نظیر «به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲)ی این قانون با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از ۲۰ درصد ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.

تضمین سرمایه برای سرمایه‌گذار

حرف جدید این است که الان سرمایه‌گذاران خارجی جدید که می‌آیند یکی از نکات مهم برایشان، تضمین بازگشت سرمایه است. آنها به دنبال تضمین هستند و آنها این تضمین را در شکل و قیافه حاکمیت دولت می‌بینند و ما به عنوان نماینده دولت در شرکت ملی صنایع پتروشیمی مجاز نیستیم در اجرای پروژه‌ها تضمین بدهیم وقتی که سهمی نداریم. ولی اگر همان ۲۰ درصد سهم را ما داشته باشیم ۲ عامل اعتماد به وجود می‌آید. ابتدا برای سرمایه‌گذاری خارجی و هم داخلی، سرمایه‌گذار داخلی وقتی می‌دید که دولت خودش حضور دارد این اعتماد برایش به وجود می‌آید. خوراک هم چون دست دولت است و تداوم مستمر تامین خوراک و کیفیت برایش وجود داشت. عامل دوم اینکه می‌تونستیم از طریق این تضمین‌های لازم را از طریق ۲۰ درصد حتی برای خودش تامین نماید. به عنوان یک شاهد در مذاکرات تمام سرمایه‌گذاران خارجی که پس از برجام برای مذاکره به ایران آمده‌اند بدنبال این تضمین هستند. اینکه ما در مذاکرات فقط بگوییم ما خوراک داریم کافی نیست. ما باید بستر قانونی را فراهم کنیم که سرمایه‌گذار

خارجی وقتی می‌خواهد سرمایه خود را به این سرزمین بیاورد جدا از باید اطمینانی داشته باشد ولی الان مثل سابق نیست. الان اگر ما در ۲۰ درصد پروژه هم حضور داشتیم خودش یک اعتبار بود.

نظارت و همراهی در منابع صندوق توسعه ملی

طبق قانون منابع صندوق توسعه ملی باید در بخش خصوصی تزریق بشود. اگر بر این منابع از طریق شرکت ملی صنایع پتروشیمی نظارت داشته باشیم و اگر بخواهند در مصرف منابع اسراف داشته باشند باز آن سهم ۲۰ درصدی نهاد دولتی نقش پیدا می‌کند یعنی حضور فیزیکی هم به اندازه ۲۰ درصد داشته باشد. به‌طور مثال الان خود بانک‌ها وقتی می‌خواهند منابع توسعه صندوق توسعه ملی را به اصطلاح عامل یک پروژه بخش خصوصی بشوند در نهایت تایید پروژه را از شرکت ملی صنایع پتروشیمی بگیرند در صورتی که این شرکت معظم در حال حاضر هیچ کاره است ولی اگر آن سهم ۲۰ درصد در تمام پروژه‌ها به این شرکت داده شود پتروشیمی هم نقشی مجدد می‌یابد و می‌تواند به‌عنوان بال نظارتی از سوی صندوق توسعه ملی در تسهیل و راه‌اندازی پروژه‌ها سرعت ببخشد. در حال حاضر اگر یک بخش کاملاً خصوصی بخواهد پروژه‌ای اجرا کند درباره سرعت اتمام و راه‌اندازی پروژه به هیچ نهادی تعهد اجرا ندارند. این بخش خصوصی به چه کسی جواب می‌دهند؟ که پروژه ۳ ساله یا ۴ سال تمام بکنند. آنها نگاه می‌کنند که سبد پولی آنها در کدام یک از بخش‌های اقتصاد پرسودتر است. مثلاً با مقداری اغراق آیا آنها ادامه و تکمیل پروژه را مدنظر قرار می‌دهند یا با سرمایه خود وارد سایر بیزینس‌های پرسود روز در بازار می‌شوند و سود خود را می‌برند. در پایان باید گفت نباید آنگونه پیش رفت که هر کس با نگاه خودش تفسیری از اقتصاد مقاومتی داشته باشد. معتقدم معنی اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل یعنی آقابان بروید کاری بکنید که ما حداکثر فرآورده و محصول را صادر بکنیم به جای مواد خام، بتوانیم حداقل مواد خام را صادر کنیم. به همین دلیل می‌گوییم اگر یک روزی بشنویم که صادرات نفت خام ما در اوپک بالاترین است آن روز دورترین فاصله را با اقتصاد مقاومتی داشته‌ایم. یعنی ما هیچ عمل و کاری روی این ماده خام انجام نداده‌ایم که در صادرات آن داریم افتخار می‌کنیم. مفهوم دیگر اقتصاد مقاومتی جدا شدن اقتصاد از صادرات مواد خام چه نفتی و چه معدنی است.

دکتر محمد حسن پیوندی – مدیر عامل تاپیکو